

طراحان و کارشناسان برنامه‌ریزی شهری از اشکالات ساختاری طراحی جدید گلزار شهدا می‌گویند

خراب کردید؛ همچنان منتظریم سامان دهید



یکی از توجیه‌های دست‌اندرکاران بازسازی با همان یکسان‌سازی گلزار شهدا در دود دهه گذشته، زیباسازی این مکان‌های مقدس بوده است. اما واقعیت نشان می‌دهد این منظور محقق نشده است و از این جهت هم شکل کنونی گلزارها ایرادهایی دارد. زیربافه فرموده رهبر معظم انقلاب، زیبایی هر جایا هر چیز به حسب خودش است و این گونه نیست که لزوماً هر روشی که یک خیابان یا میدان یا پارک را زیبا کرده است، در مکان‌های دیگر هم عامل زیباسازی باشد. درد و گزارش پیشین، درباره وضعیت حاضر گلزار شهدای بهشت رضا (ع) پای در دلد خانواده‌ها و هم‌زمان شهدا نشستیم. در این گزارش نظر معماران و طراحان را درباره ظاهر و ساختار فیزیکی مزار شهدا جویا شده ایم.

گزارش روز

زهرا خنجرانی
روزنامه‌نگار

شهدار ابادست خود گمنام کرده‌ایم

و دورهمی هدفمند داشته باشی، اما گلزار شهدا معمولاً این‌گونه نیست و ماندن در آن‌ها دشواری‌هایی دارد. گاهی حداقل‌ها برای چند دقیقه ماندن هم فراهم نیست. او همچنین اعتقاد دارد پیوسته کودکان در گلزار شهدا مهم است. زیرا شهیدزنده است و آرامستان شهید باید رنگ و بوی حیات بدهد.

جای شهید در متن شهر و زندگی است

به باور این پژوهشگر مسائل شهری، توزیع گروهی بیکر شهدا با یک شهید شاخص در قالب ایجاد خرده فضای مستقل الهی اجتماعی در شهر، راهبرد بهینه‌تری درباره دفن انبوه آن‌ها در مزارهاست؛ هرچند که دفن انبوه نیز در صورت داشتن چارچوب طراحی و برنامه‌ریزی فعالیت‌های این مکان‌ها، هدف‌گیری ماباید جذب اقشار خاستری باشد که شهید به دلیل فداکاری اجتماعی، خداخواهی و دوری از منیت، این زمینه را دارد. البته کیفیت‌های طراحی این مکان‌ها نیز درخور گفت‌وگو هستند. کیفیت آرامش بخشی، حس حضور خدا و امام زمان (عج)، بیان نسبت با شهدای کربلا و سیدالشهدا (ع)، زیبایی، خوشایندی و دلپذیری، وحدت در کثرت، غنا و رمزآلودگی، امنیت و مأمن شدن محیط، ماندگاری و تاب‌آوری محیطی از جمله این کیفیت‌هاست.

حداقل‌ها برای ماندن فراهم نیست

به گفته عمرانی، در این چارچوب‌ها می‌توان به ایجاد باتوق‌ها، خرده فضاها و محل‌های نشستن گروه‌های کوچک، مبلمان محیطی، سایبان و... نیز توجه و از شکل‌های چیدمان نرم مثل نیم دایره‌ها و چینش‌های لطیف‌تر استفاده کرد. نه اینکه همواره در یک الگوی خشک، استاندارد شطرنجی مزارهای را چیدمان کنیم؛ چرا بین این کج و راستی‌های فرم‌های نرم، باغچه و حوض‌های کوچک قرار نمی‌دهیم؟ چرا مرکز ثقل و سن مرکزی و قانونی بین مزارها را برای روایتگری شهدا درست نمی‌کنیم؟ مواجهه ما با مزار شهدا نباید مواجهه با آرامستان‌های معمولی باشد که در یک بلوک بیشترین تعداد را دفن کنیم تا اقتصادی باشد؛ مگر وسعت زمین خدا برای دفن شهیدی که روی سر ما جا دارد و می‌تواند کانون تربیتی بزرگ و کوچکمان باشد. کم است؟ باید سعی کنیم با افزودن تسهیلات در سرما و گرما، امکان ماندگاری و تاب‌آوری زائر را افزایش دهیم. خوبی حرم‌ها این است که می‌توانی ساعت‌ها آنجا بمانی و زیارت و دعا و تفکر



مواجهه ما با مزار شهدا نباید مواجهه با آرامستان‌های معمولی باشد که در یک بلوک بیشترین تعداد را دفن کنیم تا اقتصادی باشد

که از نخبگان خود بهره‌مند شوند. اما مداخله نخبگانی نمی‌تواند فارغ از ارزش‌های مردمی و اجتماعی باشد. بنابراین یکسان‌سازی مزار شهدا را مصداق عمل نخبگانی نمی‌دانیم. زیرا گلزارها را از زمینه خانوادگی و قومی، خرده فرهنگ‌ها، حقوق خانوادگی و... جدا می‌کند.

امکان وحدت‌بصری مزارها

این متخصص برنامه‌ریزی شهری پیشنهاد می‌دهد: در عین احترام به شخصی‌سازی، به کمک خلق یک چارچوب طراحی مشترک، وحدت‌بصری ایجاد کنیم. یعنی یک مجموعه الزامات طراحی در رنگ و فرم، مصالح، اندازه‌ها و... بگذاریم که موجب وحدت‌بصری و حسی شود و یک مفهوم یا معنا را تداعی کند. اما ذیل این چارچوب کلی، جزئیات می‌تواند مطابق نظر و خلاقیت خانواده، هم‌زمان، دوستان و پیستگان شهید صورت‌بندی شود. چارچوب‌های طراحی بهتر است به تفکیک هر شهر و روستا باشد و نمادهای هویتی و تاریخی بومی نیز در آن‌ها گنجانده شود.

حسین عمرانی، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی و پژوهشگر مسائل شهری است، او درباره بلوک‌ها و قطعه‌های شهدا می‌گوید: در مزارهای عمده شهری، یعنی آرامستان‌ها که در اثر یکسان‌سازی به گمنامی می‌رسد و ما شهدا را با بدست خود گمنام کرده ایم. حال آنکه هر شهید ماجرا، روایت و زندگی‌ای دارد که قابل بیان در محیط و مکان بوده و مزار وی محل درس‌آموزی و دیالوگ با شهید است. به عبارت دیگر، همان‌طور که در کنار شهدا انبوه‌سازی ساختمان‌ها موجب گمنامی و غریبگی آدم‌ها با یکدیگر می‌شود، در آرامستان‌ها نیز یکسان‌سازی چنین حس و فضایی ایجاد می‌کند.

شخصی‌سازی مزارها، حق خانواده‌ها و او شخصی‌سازی مزارها توسط خانواده‌ها را نوعی ارزش و راه حل وضعیت آشفته کنونی می‌داند و می‌گوید: مداخلات خانواده در طراحی و فرم‌دهی به مزار شهیدشان از دل بوم و فرهنگ آن خانواده بیرون می‌آید و هر شهید را نمایانگر برجسته می‌کند. ضمن آنکه مادر یا همسر شهید به عنوان یک زن حق دارد که آرایش و پیرایش مزار به او و سلیقه‌اش واگذار شود. البته کار فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی این نیست که ما همه کار را به مردم واگذار کنیم، بلکه لازم است اهالی فکر و نخبگان نیز هدایتگری کنند و با ایده‌پردازی به این مزارها و فرم و معنای آن‌ها ضریب دهند و این جزو حقوق اجتماعی و اخلاقی مردم است

زیبایی را در رفتار مدرن جهان معاصر می‌بینیم یا در لایه‌های هنر اصیل مردمی؟

نیز یکسان‌سازی معنا و توجیه منطقی ندارد و فضایی دیکته‌شده و دور از فرهنگ و هویت ملی و جدایی‌ت ایجاد می‌کند.

او ایراد دیگر طراحی کنونی مزار شهدا را در زمینه بهره‌برداری آن می‌داند و می‌گوید: وقتی فضای یکسان‌سازی شد، مسیریابی مشکل می‌شود. همه ما بر اساس تصویر یا خاطره‌ای که از خیابان‌های متنوع شهر داریم، خیلی راحت برخی نشانی‌ها را پیدا می‌کنیم، اما اگر شهر همه جای یکسان و شبیه هم بود، دیگر به این سادگی نمی‌توان به مقصد رسید. در گلزار شهدای بهشت رضا (ع) هم پیش از بازسازی، هر مزار را با نشانه خاص خودش می‌شناختیم. ولی حالا همان‌ها را هم پیدا نمی‌کنیم و نظام نشانه‌گذاری که در حکم نشان راه بود، به مخاطره افتاده است.



انبیه و سازه‌ها زمانی به عنوان نماد و نشانه یک مفهوم یا فرهنگ شناخته می‌شوند که متصل به زمینه خودشان باشند و در غیر این صورت، طراحی و فیزیکی بنا هم شکست‌خورده خواهد بود

از دیدگاه مهدی یک‌پسر، طراح مشهدی نیز تنوع طراحی بسیار مهم، سازنده و نشئت‌گرفته از تنوع زیست، تفکر و سلاقی مختلف جامعه است؛ اشیاء، انبیه و سازه‌ها زمانی به عنوان نماد و نشانه یک مفهوم یا فرهنگ شناخته می‌شوند که متصل به زمینه خودشان باشند و در غیر این صورت، طراحی و فیزیکی بنا هم شکست‌خورده خواهد بود. زیبایی یک سازه متناسب با زمینه آن تعریف می‌شود. حال باید دید ما زیبایی را در رفتار مدرن جهان معاصر می‌بینیم یا در لایه‌های هنر اصیل مردمی؟ همان‌طور که برای ساخت ساختمان‌ها در شهر قانون وجود ندارد که حتماً درها یا پنجره‌ها با هم یکسان باشد و سازندگان در چارچوب قانون آزاد هستند و سلیقه خود هر مدل‌داری را استفاده یا طراحی کنند و زیبایی شهر هم به همین تنوع‌هاست، در گلزار شهدا

یکسان‌سازی؛ از نادرست بودن تا اجرای ناقص

به ویژه در بهشت رضا (ع) مشهد اشاره و بیان می‌کند: هر یک از مزارها محل انس خانواده به خصوص خانم‌ها با شهدا بود. یک گوشه دنج به دور از انتظار عموم که سایه هم بود، می‌نشستند و آوایی می‌کردند. ولی حالا فشار برهنه شده است و چنین مآملی وجود ندارد. بماند که برخی مزارها را مانند مزار اموات عادی، سنگ مشکلی زده‌اند که شاید توجیه اقتصادی‌اش بیشتر بوده است. برخی سنگ مزارها مانند مزار شهید برونسی هم نسبت به مکان اصلی قبر جابه‌جا شده است. چهره‌های شهدا روی سنگ مزار، بسیار ناشایسته و برخی اشتباه و ناقص حکاکی شده و سرد و بی‌روح است، در حالی که پیش از اجرای یکسان‌سازی، هر مزار با توجه به شخصیت شهید، یک نماد و نمایی داشت و با زائران ارتباط برقرار می‌کرد. فضای سبز کنونی نیز بسیار ضعیف و بیشتر در حد دکور است. این گلدان‌های میان هر چهار یا شش مزار، باغچه و واقعی نیست. زیرا برای فضای بسته و مسقف در نظر گرفته شده بود که به سرانجام نرسید. در مجموع با اینکه می‌بینیم قبرستان‌های مهم جهان اسلام مثل وادی السلام نجف اشرف، وادی باب صغیر دمشق، تخت فولاد اصفهان و... در عین تنوع ظاهری قبور و پستی و بلندی‌ها همچنان جذاب و زیبا هستند و اصالت خود را حفظ کرده‌اند، جاهلانه یا عامدانه از فرم تراز قبرستان‌های اسلامی فاصله گرفته و به سمت مدل‌های فرهنگ غربی رفته‌ایم که هیچ مرتبتی ولو زیبایی‌بصری ندارد. حال آنکه نمونه‌های زیبایی بهسازی مزار شهدا در عین حفظ هویت و اصالتشان را در جهان اسلام از جمله جنوب لبنان کم نداریم. در این میان متولیان و دست‌اندرکاران خود سردرگم‌اند و با



این پروژه از ترس مقاومت مخالفان و خانواده‌ها، با وجود هزینه‌های سنگین، چنان سریع پیش رفت که تا به خود آمدیم، دیدیم کار از کار گذشته است

حمید فخار، طراح و گرافیکست که خود فرزند شهید است، ساختار جدید گلزارهای شهدا را دچار اشکال جدی معماری می‌داند و می‌گوید: وقتی در تهران یا هر شهری به یک مدل خاص برای گلزار شهدا می‌رسیم، نباید عین آن را در دیگر شهرها پیاده‌سازی کنیم. زیرا هر شهر وجه‌بسا هر شهید، فرهنگ و تاریخ خاص خود را دارد که باید در مزارش نمود داشته باشد. عجیب اینجاست که می‌شود گفت هیچ پروژه عمرانی در کشور با سرعت پروژه یکسان‌سازی پیش‌ترفته است و نمی‌رود، اما این پروژه شاید از ترس مقاومت مخالفان و خانواده‌ها، با وجود هزینه‌های سنگین، چنان سریع پیش رفت که تا به خود آمدیم، دیدیم کار از کار گذشته است. تصور خانواده‌های شهدا، ترمیم یا بهسازی گلزارها بود، ولی یک دفعه با این یکسان‌سازی و برخورد حاکمیتی شوکه شدند.

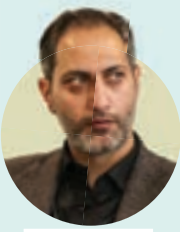
او با انتقاد از صرف هزینه‌های هنگفت برای یکسان‌سازی مزار شهدای روستاها در حالی که مردم آنجا راه و امکانات اولیه زندگی نداشتند، تأکید می‌کند: طرح یکسان‌سازی حتی به فرض درست بودنش هم کامل اجرا نشد. (بنا بود مزارها بعد از یکسان‌سازی، مسقف و مفروش شود)، این طرح در بیشتر شهرها از جمله مشهد در همان مرحله اول به دلیل حذف مشارکت مردم، ناقص و ناتمام ماند. این در حالی است که به فرموده امام‌را حل (ع)، شهدا همچون امام‌زادگان هستند. خود مردم مزار آن‌ها را رسیدگی و آباد می‌کنند. آن‌هم با توجه به اقلیم، فرهنگ و بوم خود و بدون هیچ چشمداشتی از حاکمیت.

به سمت مدل‌های فرهنگ غربی رفته‌ایم

این هنرمند مشهدی در ادامه به برخی نافرمانی‌های کنونی مزار شهدا

تنوع روایت‌ها، مهم‌ترین عنصر هویتی فرم سابق

دکتر علی مسافری، که دانش آموخته آینده پژوهی و اقتصاد هنر است، ضمن تأکید بر ارزشمندی ناهمگونی شکل سابق گلزار شهدا می‌گوید: طرحی که به منظور بهسازی گلزار شهدا آغاز، اما در عمل منجر به یکسان‌سازی قبور شهدا شد، ظرفیت‌های نمادین و هویت‌های بومی و نیز حس معنویت حاصل از این ایده‌های بومی را نابود کرد. پیش از این، خود خانواده‌ها متولی مزارهای عزیزانشان بودند و متأثر از ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی، استعدادها و فعالیت‌های شهید، آن را نمادسازی می‌کردند. به همین خاطر یک موزه طبیعی و جذاب و کتاب‌گویا و مصور در گلزار شهدا شکل گرفته بود که از یک سو صمیمیت و بی‌آلایشی آن معنویت فضا را تقویت می‌کرد و از سوی زائران در کنار زیارت، با ویژگی‌ها و سبک زندگی شهید آشنا می‌شدند. او روایت‌های متعددی را که توسط خانواده شهدا در قالب‌های مختلف، کنار مزارها شکل گرفته بود، مهم‌ترین مؤلفه فرم پیشین گلزار شهدا معرفی می‌کند که به سادگی برگشت‌پذیر نیست؛ جذابیت تنوع سابق مزارهای شهدا در این بود که برای مخاطب فرصت کشف ایجاد می‌کرد تا جایی که او را به تماشای تک‌تک مزارها و تجربه کشف و شهودی ماندگار دعوت می‌کرد و بنا به داشته‌های ذهنی فرد، خوانش‌های متفاوتی از قبور را رقم می‌زد. اما یکسان‌سازی، این فرصت ناب خیال‌پردازی، هم ذات‌پنداری و اثرپذیری و ارتباط بالابه‌های زیرین مرتبط با حس مکان را از زائران گرفت. امروز دیگر از روح ناشی از تنوع، سادگی و بی‌آلایشی مزارها که دنیایی حرف و درس و روایت داشت، خبری نیست. در فرم جدید، قبوری که صاحبانشان سنین، زندگی‌ها، روایت‌ها و شخصیت‌های متفاوت دارند، همه یک دست طراحی شده‌اند و ظرفیت و ظرفیت‌ها و معنا‌های منتقل‌شونده از مزار یک شهید چهارده ساله با مزار شهیدی هفتادساله یکسان فرض شده است.



ادعای زیبا بودن یکسان‌سازی، نه علمی است، نه منطقی و پذیرفتنی؛ حتی در کشورهای غربی هم تنوع و احترام به هویت‌ها به اقدامات توسعه‌ای و بازآفرینی اولویت دارد

درد و به منظور پیشگیری از پیامدهای متعدد اجتماعی اقتصادی، در هر احیا و بازآفرینی تأکید می‌شود که مؤلفه‌های هویتی حفظ شوند؛ چنانکه مثلاً در خیابان‌های تاریخی ایتالیا به ساکنان اجازه تغییرنمای بیرونی رانمی‌دهند و این تجربیات و ادبیات جهانی اثبات شده، پیش از یکسان‌سازی مزار شهدا وجود داشت و بررسی‌پذیر بود. اما عوامل طرح، دانسته یا نادانسته یک طرفه تصمیم‌گیری کردند و هیچ اشرافی به زیباسازی نداشتند؛ زیباسازی هر مکان باید متناسب با زمینه مفهومی آن باشد. زیرا زیبایی فقط یک عنصر تجسمی و بصری نیست، بلکه القائات حسی سازه‌ها به افراد را نیز شامل می‌شود. بر این اساس زیباسازی یک شهر معنوی و زیارتی، به معنای کمک به افزایش و تعمیق حس معنویت در شهر است، نه لزوماً مدرن‌سازی و طراحی‌های غریبه با اصالت شهر؛ همچنین زیباسازی در یک مکان علمی، شامل تقویت شاخصه‌های اثرگذار بر فضای علمی است، نه ایجاد فضاهای تفریحی نامرتبط. در گلزار شهدا هم زیباسازی باید به تقویت حس معنوی ایشار و شهادت منتهی شود و اگر غیر از این شد، هر قدر هم که شیک و مدرن شده باشد، به معنای شکست هدف زیباسازی است.

او با بیان اینکه در پی موضوع‌گیری و اعتراضات خانواده شهدا و فعالان فرهنگی، مسئولان طی چند سال اخیر به سمت جبران مافات رفته‌اند، ادامه می‌دهد: در مشهد نیز فرهنگ سرای سردار سلیمانی در تلاش است با نظر و انتخاب والدین شهدا و به دور از هرگونه تحمیل و تحکم، آرایش و تزئین قبور را تا حدی به آن‌ها حس و حال قدیمی‌اش برگرداند، اما از آنجاکه برخی والدین، فوت شده‌اند و برخی شهدا فاقد متولی هستند، این طرح کند پیش می‌رود و نتوانسته ایم عناصر تقویت‌کننده موضوع شهادت و معنویت را متناسب با فضا توسعه دهیم. در صورت هم‌گرایی هنرمندان با علقه‌ها و انگیزه‌های دینی و آشنا با مبانی و گفتمان ایشار و انقلاب اسلامی با مدیریت متولیان چون حوزه هنری، فرهنگ و ارشاد اسلامی و... امید می‌رود این فرایند تسهیل و تسریع شود و بازآفرینی میثتی بر مؤلفه‌های هویتی سابق تا حدود دو یا سه سال دیگر به نتیجه برسد.

زیبایی گلزار شهدا، نه مدرن‌سازی

این پژوهشگر اقتصاد و هنرهای شهری، توجیه زیباسازی برای از بین بردن فرم قدیم گلزار شهدا را نادرست می‌داند و معتقد است: ادعای زیبا بودن یکسان‌سازی، نه علمی است، نه منطقی و پذیرفتنی؛ حتی در کشورهای غربی هم تنوع و احترام به هویت‌ها به اقدامات توسعه‌ای و بازآفرینی اولویت

برای مطالعه دو قسمت قبل گزارش باکد زیر را اسکن کنید



قسمت اول (راویان)



قسمت دوم (خانواده شهدا)